

حدود تصرف در موقوفات

وقفنامه جالبی از علی (ع) درباره قناتی که بادست خود احداث فرموده بود

قبلاً خاطر نشان کردیم که فرائض مفصلی از کتب فقه و حدیث؛ و بطور خلاصه بخشی از قوانین اسلام، ویژه موضوع وقف و احکام و مقررات مربوط به موقوفات و تولید و تصدی افراد میباشد. اکنون باد آور میشویم که این قسمت، گذشته از جنبه طرح و ابتکار اولیه، از نظر مقررات مربوط به حفظ اعیان و رقبات موقوفه و چگونگی به مصرف رسیدن عواید و استفاده از آن نیز، بسیار جالب و قابل توجه است.

شکی نیست که فقه اسلام روی مسئله حفاظت موقوفات و جلوگیری از دخالت‌های بیجا و زیانبار؛ چه در مورد اعیان وقفی، و چه در کلیه آثار عام المنفعه، عنایت خاصی میندود داشته؛ تا هر کسی بخود اجازه ندهد از موقوفات سوء - استفاده کند یا عین موقوفه‌ای را در کف ضمناً شامل حال اکثر آثار باستانی میشود، معجز، یا

مکتب اسلام

عین موقوفه یا تصرف در خالتی برخلاف نظر واقع نماید. چنانکه استفاده از منافع موقوفه جز برای کسانی که مالک برای آنها وقف شده است یا صرف کردن موقوفه‌ای در غیر موردی که از تصرف واقف تعیین گردیده، شرعاً ممنوع بوده و ضمان آو راست، در این باره کافی است عین کلام امام یازدهم حضرت عسکری (ع) را که میفرماید: «الوقوف علی حسب ما اوقفها اهلها» یا «الوقوف علی حسب ما اوقف» (۱) (در اعیان موقوفه نباید به همان نحوی که واقف روز نخست وقف کرده است رفتار نمود). از باب نمونه مورد دقت قرار دهیم.

این عبارت جامع و در عین حال کوتاه متن یکی از ده ها روایتی است که در این باره از قول پیامبر اکرم و جانشینان معصوم او بطریق اطمینان بخشی یاد گوشه و عیناً در مصادر اولیه روایات و متون فقهی موجود میباشد.

چنانکه از ملاحظه متن سایر روایات و بویژه وقف و سختگیر بهایی که فقها در مقام فتوی بر اساس روایات مربوطه، در امر تصرف در وقف بعمل آورده‌اند و همچنین لمن و نظریه‌های تنیدی که از طرف اوقاف معمولاً صادر فرمودند گمان یا تجاوز -

بنا بر این توجه باین مطلب ضروری است که تمام فقها و حقوقدانان و مخصوصاً علمای شیعه، بر این عقیده متفقند که اگر کسی چیزی را (اعم از منقول یا غیر منقول) طبق موازین اسلامی وقف کرده هیچکس (حتی خود واقف) تحت هیچ عنوان (جز در موارد خیلی نادر) از قبیل ازاله امانت (بترجیح در کتب علمی و احیاناً در رساله‌های عامیه مراجع فتوا مطرح است) نمیتواند اقدام بخرد و فروش

کنند گمان و امر وقف گردیده، استفاده میشود که هر نوع تبدیل و تغییر که برخلاف شیوه‌ای باشد که روز نخست واقف بر آن اساس وقف نموده است حرام و ممنوع میباشد.

و نیز از توجه بوقفنامه‌های امیرمؤمنان علی (ع) که در نهج البلاغه (۲) و مصادر حدیثی (۳) در مورد املاک ذراعی، نخلستان، قنات و خانه سکونی برای فرزندان خود یا قرا ذکر شده و همچنین وقفنامه سداقت و موقوفات حضرت زهرا علیها السلام که عبارت از هفت قطعه باغ و زمینهای مزرعی و نخلستان (۴) بسود و بخط امیرمؤمنان جهت فرزندان و اعقاب آن بانو وقف و تنظیم گردید و مقادیر آن سود، صحابی جلیل، القدر پیامبر و زبیر بن عوام گواه بر این وقف و وقفنامه بودند؛ همین مطلب نیز کاملاً استفاده میشود.

و نیز از وقفنامه ملکی حضرت موسی بن جعفر (ع) که نخست بنام فرزندان و اعقاب خود و در مرحله بعد بنام قرای مؤمنین ثبت و نوشته شد، بخوبی معلوم می‌شود تجاوز بموقوفات و تخلف از مقررات مربوط به مصرف عواید، یا دخالت «متولی»، و نقل و انتقالهای بیجا کار آسانی

(۱) وسائل الشیعه ج ۶ (جزء سوم) ص ۲۹۵

(۲) وصیت ۲۴

(۳) مستدرک الوسائل ج ۲ - ۵۱۲

(۴) این موقوفات بنامهای: عواف، دلال، برقه، صافیه، میثب، حسنی و مشربام ابراهیم، نخست متعلق به مخیر قیهودی بود که پس از واگذاری به پیتمبر اسلام بدخترش فاطمه زهرا رسید و خصوصیات آنرا مسعودی در تاریخ مدینه (وفاء الوفاء ج ۴۳) و سیداسعد در ابزونی در (عمدة الاخبار فی مدینه المختار) ذکر نموده‌اند.

قنات وزمینی‌هایی که از آن مشروب می‌شد با این مضمون نکاشت :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

من (علی بن ابیطالب) این قنات را وقتیکه در دم قنای حدیثه برای ابن السبیل (درمانده گمان در راه) تابدینوسیله روز قیامت چهرام از آتش دوزخ ممنون باشم و چه چگاه نباید فروخته شود یا بختیتمه کردم مگر آنکه حس و حسین بدان نیازمند شود پس آنها مجاز خواهند بود که هر گونه تصرفی در آن بنمایند.

این هشام (بقتل و قناء الوفاء) گوید زمانی معاویه پی برد باینکه حسین (ع) بدین کار است و خواست از این فرصت استفاده کند پس مبلغ هنگفتی بعنوان معامله این قنات وزمینی‌های اطرافش برای حضرت فرستاد تا او انتقال دهند.

اما حال این است که امام حسین بانیازی که بفروشی آن برای پرداخت بدهی خود داشت و پدر بزرگوارش علی (ع) که واقف آن بود اجازه فروش و هر گونه تصرفی برای امام حسین داده بود، هم الوصف از فروختن قنات امتناع ورزید و پولها را رد کرد و فرمود: پدرم این ملک و قنات را صدقه قرار داده برای فقرا و «ابناء سبیل» تا چهره خود را از آتش دوزخ نگاه دارد و اکنون من نخواهم آنرا فروخت.

نیست و این تنها افراد ضعیف الایمان هستند که نسبت بیک چنین موضوع مهم دینی، پشت بازده و در حدود یکصد و پنجاه حدیث مستبر و متون بیانات امامان معصوم را عاملانکار نموده باجرات تمام ذریه را در این همه مسئولیت و امن و ثمرین می‌روند!

در پایان این مقال توجه خوانندگان ارجمند را بیک سند وقفی معطوف می‌نمایم تا از این پس، بیشتر پی با اهمیت مطلب برده و از عواقب شوم اینگونه تجاوزات بر حذر باشند:

مورخ معروف سنی، نورالدین محمودی (۱) و دانشمند معروف شیعی، ابوالعباس میرد (۲) (متوفای ۲۸۵) و دیگران از ابو نیر ز خدمتکار امام -

المؤمنین (ع) (۳) نقل کرده‌اند که گفت: بعد از درگذشت پیغمبر بکروز جنگامیکه در مزرعه‌ای خارج مدینه مشغول کار بودم علی (ع) تشریف آورد و کلنگ را از دست من گرفت و وارد قنات شد و شروع بکندن قنات کرد و با خود زمزمه می‌نمود سپس قدری صبر کرد و مجدداً کلنگ را گرفت و مشغول کندن شد که یک دفعه چشمه آب یازد و باندازه حجم گردن شتر بشدت قوایم پیدا کرد.

امام در حالیکه عرفان پیشانی مبارکش میریخت فوراً فرمود: خدا را گواه می‌گیرم که این قنات صدقه باشد، آنکاه از قنات بیرون آمد و قلم و کاغذ خواست، همینکه حاضر کردم و قنانه‌ای برای

(۱) وفاء - الوفاء با خباد دارالمطی - ج ۳ - ۱۱۵۰ - ۱۲۷۱۵

(۲) الکامل - بنقل مستدرک الوسائل ج ۲ - ۵۱۴

(۳) بقرینه ابن هشام و میرد، ابو نیر ز فرزند نجاشی پادشاه حبشه بود که از کودکی دل به آئین اسلام بسته و در حضور پیامبر مسلمان شد و در خانه آنحضرت همچون یکی از فرزندانش بپرورش برد و حتی پس از مرگ نجاشی که امر سلطنت حبشه با احتلال گرایید اهل حبشه پیشنهاد سلطنت باو دادند و او بخاطر اسلام و علاقه بدینده و اهل بیت پیغمبر پذیرفت و گفته‌اند که او بعنوان خدمتکار در خدمت علی (ع) قرار گرفت.